

جریان شناسی جماعت التبلیغ و الدعوه

جریان شناسی جماعت التبلیغ و الدعوة

جماعت التبلیغ و الدعوة یکی از جمعیت‌های گسترده اسلامی محسوب می‌شود که اغلب اسلام‌گرایان از هر حزب، جنبش و مرامی در مراحل ابتدایی فعالیت‌های خود، عضو این حزب تبلیغی بوده و در آن فعالیت داشته‌اند. این جماعت صرفاً در زمینه وعظ و ارشاد انسان‌ها فعالیت دارد و پیام خود را به تمام مسلمانان و غیرمسلمانان به دور از تفاوت‌های مذهبی و دینی ارائه می‌کند. گستره نفوذ این جماعت، اغلب کشورهای اسلامی، اروپایی و ایالات متحده آمریکا را فراگرفته است و به جذب نیرو و دعوت به اسلام می‌پردازد.

جریان‌شناسی

مقدمه

جماعت التبلیغ و الدعوة یکی از جمعیت‌های گسترده اسلامی محسوب می‌شود که اغلب اسلام‌گرایان از هر حزب، جنبش و مرامی در مراحل ابتدایی فعالیت‌های خود، عضو این حزب تبلیغی بوده و در آن فعالیت داشته‌اند.

جماعت التبلیغ و الدعوة، صرفاً در زمینه وعظ و ارشاد انسان‌ها فعالیت دارد و پیام خود را به تمام مسلمانان و غیرمسلمانان به دور از تفاوت‌های مذهبی و دینی ارائه می‌کند. گستره نفوذ این جماعت، اغلب کشورهای اسلامی، اروپایی و ایالات متحده آمریکا را فراگرفته است و به جذب نیرو و دعوت به اسلام می‌پردازد.

برخی آمارها اعضای این جماعت اسلامی را 85 میلیون نفر دانسته‌اند که حدود 30 میلیون در هند، 25 میلیون در پاکستان، 50 هزار نفر در آمریکا و 100 هزار نفر نیز در فرانسه عضو جماعت التبلیغ و الدعوة هستند. این جماعت هر ساله، تجمع بزرگی را در کشور بنگلادش ترتیب می‌دهد که بیش از سه میلیون نفر در آن شرکت می‌کنند.

جایگاه مفهوم جماعت

پیش از معرفی این جریان اسلامی لازم است به جایگاه مفهوم جماعت و چرایی انتخاب این اصطلاح برای برخی از جنبش‌ها اشاره شود؛ چرا که شاید این سؤال به ذهن بیاید که چرا به جای جماعت التبلیغ و الدعوة، عبارت حزب التبلیغ و الدعوة به کار گرفته نمی‌شود؟

پاسخ سؤالات فوق به طور خلاصه در این واقعیت نهفته است که تا پیش از سقوط خلافت عثمانی، اهل سنت، قرارگرفتن زیر پرچم خلافت و همچنین اطاعت از خلیفه مسلمین را به معنای تحقق مفهوم جماعت می‌دانستند، اما پس از سقوط خلافت اسلامی تاکنون سلفیان و اسلام‌گرایان سنی همواره در پی تحقق جماعتی اسلامی بوده‌اند؛ چرا که سید قطب نیز در کتاب معالم فی الطریق با تأکید بر ضرورت جماعت اسلامی، تحقق خارجی این مفهوم را مقدمه ایجاد حکومت اسلامی می‌داند. جماعت از منظر آنان تشکیلاتی منسجم است که بر اساس شریعت الهی گام برمی‌دارد. جماعت اسلامی در واقع تحقق موالات بین مؤمنان و تعاون و همکاری در نیکی و تقوا است. از این‌رو، اغلب جنبش‌های سلفی، عنوان جماعت را برای خود برگزیده‌اند. [1] اسلام‌گرایان سلفی غالباً از عبارت حزب دوری گزیده‌اند؛ چرا که حزب را مفهومی

خارج از دایرة مفاهیم اسلامی برگرفته از سلف می‌دانند و هرآنچه خارج از این دایره باشد، بدعت است.

از این‌رو، مفهوم جماعت با دیرینه‌ای متصل به سلف صالح و برگرفته از سیره سلف مورد تمسک و استفاده اسلام‌گرایان سنی و سلفی قرار گرفته است.

تأسیس جماعت التبلیغ و الدعوة

این جماعت که اعضای آن با عنوان "رجال الدعوة" خوانده می‌شود، به دست شیخ محمد الیاس بن محمد اسماعیل کاندهلوی در سال 1927 میلادی تأسیس شد و محمد الیاس کاندهلوی در این تاریخ رسماً فعالیت‌های خود را در زمینه تبلیغ و فراخوانی به اسلام بر اساس افکار و مسلک خاص خود آغاز کرد.

محمد الیاس کاندهلوی (1886-1945)

مؤسس جماعت التبلیغ و الدعوة در روستای کاندهله از روستاهای سهارنغور در هندوستان به دنیا آمد. وی در خانواده‌ای ثروتمند، عالم و متصوف که طریقت چشتیه را اتخاذ کرده بودند، چشم به جهان گشود.

وی به فراگیری علوم شرعی و کتب حدیثی و اسلامی اشتغال یافت و در این راستا با سفر به دیوبند، وارد دارالعلوم دیوبند شد. این مدرسه تفکر ماتریدی در کلام، حنفی در فقه داشت و طریقت‌های صوفی نقشبندیه، چشتیه، قادریه و سهروردیه را دربر داشت و پس از شکست قیام اسلامی علیه اشغالگران انگلیسی در سال 1857م، با هدف حفاظت از نسل‌های مسلمانان در برابر هجوم فرهنگ غرب به فعالیت پرداخت.

محمد الیاس، در سال 1897م طریقه چشتیه را به دست رشید احمد کنکوهی که از بزرگان مذهب حنفیه به شمار می‌آید، فراگرفت. وی همچنین از محضر استادانی همچون خلیل احمد سهارنغوری و اشرف علی تهانوی، ملقب به حکیم الامّه و مجدد المله، استفاده کرد و به یکی از رهبران جنبش استقلال طلبی پاکستان تبدیل شد.

محمد الیاس در عصری می‌زیست که بر اثر تهاجم استعمار و جهل مردم به دین خود، عده زیادی و حتی بسیاری از قبایل هند از دین اسلام بازگشتند و ادیان پدرانیشان را از سر گرفتند. این تحولات، محمد الیاس را بر آن داشت تا به میان مردم برود و با جهل و ارتداد مبارزه کند.

وی ابتدا با انتشار کتاب‌های اسلامی در میان مردم و راه‌اندازی کلاس‌های شرعی به تبلیغ دین پرداخت. اما پس از مدتی دریافت که مردم هند با وجود مشکلات و مشغله فراوان (کشاورزی و دامداری و...) فرصت خواندن کتاب‌ها و پرداختن به کلاس‌های شرعی را ندارند و اقبالی به این راه‌ها نشان نمی‌دهند تا اینکه نقل شده است که در خواب، تفسیر آیه شریفه «کنتم خیر أمة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون بالله» [2] به او القا شد و محمد الیاس کاندهلوی از این طریق به راه حل مشکل مسلمانان هند هدایت یافت.

وی دریافت که فریضة امر به معروف و نهی از منکر فقط با زندگی میان مردم و دعوت آنان به دین خدا در ضمن کارها و زندگی آنان تحقق می‌یابد نه با نشستن در مساجد و مدارس دینی و موعظه کردن مردم از روی منبر.

محمد الیاس برای حفظ نظام تبلیغی خود برای آن دو شرط اساسی گذاشت: یکی اکرام فرد مسلمان و بزرگداشت او بر هر مذهبی که باشد و با هر نقطه ضعف و مشکلی که دارد با توجه به ایمانی که در قلب خود به خدا و رسولش دارد و علیه آنان نیست؛ دوم اشتغال‌ناداشتن فرد مبلغ به مسائل جانبی و حاشیه‌هایی که به او ربطی ندارد.

در کنار محمد الیاس، رهبرانی همچون عبدالرحیم شاه دیوبندی، احتشام الحسن کاندهلوی و ابوالحسن ندوی که تلاش فراوانی در گسترش جماعت التبلیغ داشت، ظهور کردند.

محمد الیاس کاندهلوی کتابی از خود به جای نگذاشت؛ چرا که معتقد بود اثر کتاب کمتر از زندگی واعظانه میان مردم است و سیره پیامبر اسلام نیز بر همین منوال بوده است. سیر تکامل جماعت التبلیغ و الدعوة

محمد الیاس دعوت خود را از محرومترین مناطق مسلماننشین هند شروع کرد که ساکنین آن در پایینترین مراتب علمی به مسائل دینی قرار داشتند.

جماعت التبلیغ با تأسیس 250 مدرسه در این منطقه و اجرای نظام عملی تبلیغ دینی در میان مردم این منطقه تأثیر به‌سزایی بر مردم میوات گذاشتند و پس از آن وقتی که محمد الیاس دریافت که این منطقه خود به مدرسه‌ای دینی تبدیل شده، در سال 1937 میلادی اعزام مبلغان و گروه‌های تبلیغی به سایر مناطق هند را آغاز کرد تا جایی که تمام مناطق و ایالت‌های هند دارای شعبه‌ای از این جماعت بودند.

در خلال استقلال پاکستان از هند در سال 1947 و فرار مسلمانان هند به پاکستان برای حفظ جانیشان، اردوگاه‌هایی در پاکستان برای پناهندگان هندی تأسیس شده بود که اعضای جماعت التبلیغ با حضور در این اردوگاه‌ها و کمک‌رسانی به پناهندگان به جذب آنان و تبلیغ در میان آنان پرداختند.

جماعت التبلیغ در سال 1938 نیز با ایجاد ارتباط با حکام و شیوخ وهابی در عربستان توانستند از حمایت آنان در حجاز برخوردار شوند و به تبلیغ شیوة خود در موسم حج میان سایر مسلمانان بپردازند. این جماعت پس از حجاز، سفرهای تبلیغی خود را به سایر کشورهای اسلامی آغاز کرد که در سومین سفر تبلیغی که به ریاست ابوالحسن ندوی شکل گرفت، یوسف قرضاوی مرشد فعلی اخوان المسلمین، با این جماعت همراه بود و در آن زمان منصب امام جماعت مسجد را بر عهده داشت.

در سال 1951 جماعت التبلیغ و الدعوة با سفر به خارطوم پایتخت سودان، مرکز خود در سودان را تأسیس کرد. همچنین به عراق، سوریه، اردن، فلسطین، لبنان، لیبی، تونس، الجزایر و مغرب سفر کرد و به تأسیس مراکزی در این کشورها اقدام کرد.

این جماعت دفاتر و مراکزی را نیز در انگلیس و آمریکا ترتیب داده است و در اروپا و آمریکا نیز فعالیت می‌کند.

منظومه فکری جماعت التبلیغ و الدعوة

اصول فکری این جماعت در شش ماده منحصر است که محمد الیاس، مؤسس جماعت، این مواد شش‌گانه را پایه‌گذاری کرده است:

1. تحقق شهادت به «لا إله الا الله» و رسالت پیامبر اکرم از طریق توحید عبادی و عبادت خداوند یگانه و اطاعت از دستورات پیامبر اسلام؛
2. به‌جای‌آوردن نماز با تأکید بر داشتن خشوع در نماز؛ چرا که خشوع در نماز، روح نماز است که نتایج نماز با آن حاصل می‌شوند؛
3. علم همراه ذکر، به معنای فراگیری ضروریات علمی و عمل به آنها که همان ذکر است؛ چرا که علم بدون عمل، فراموشی و روگردانی را به دنبال دارد؛
4. بزرگداشت فرد مسلمان و اکرام او؛

5. تصحیح نیت و اخلاص تمام اعمال و انجام آنها تنها برای رضای خداوند متعال؛

6. دعوت به خدا و خروج و قیام در راه او به معنای رفتن از مسجدی به مسجد دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر و از کشوری به کشور دیگر، برای اصلاح خود و دیگران.

تحولات فکری

اغلب اعضای جماعت التبلیغ حنفی مذهب هستند اما از آنجا که این جماعت قائل به وجوب

تقلید از یکی از مذاهب اربعة اهل سنت بدون انحصار در یک مذهب است، از سایر مذاهب نیز پیروانی در این جماعت عضو هستند.

جماعت التبلیغ در ابتدا در فضای تصوف هندی رشد و تصوف را نزدیکترین راه برای چشیدن شیرینی ایمان می‌دانست، اما سپس با گسترش در کشورهای حاشیه خلیج فارس به سمت مذهب سلفی‌گری کشیده شد.

اعضای این جماعت تا حد ممکن از ابزار مدرن استفاده نمی‌کنند و تنها برای رفع نیازهای ضروری به این ابزار مراجعه می‌کنند و قائل هستند که این ابزار مانند کفشی است که فرد مسلمان برای فضای حاجت از آن استفاده می‌کند و زمانی که کارش تمام شد، آن را کنار می‌گذارد.

منابع فکری

در سیره و تاریخ: ریاض الصالحین (نووی) و حیاة الصحابة و خصال الحميدة (یوسف بن الیاس)،

در حدیث: الادب المفرد (بخاری)،

در عقیده: المنتخب من الصفات با مختصری از ریاض الصالحین،

در اخلاق: سخنان محمد الیاس و محمد سعید،

این جماعت، در روش تبلیغی خود، بیشتر از وعظ عملی و معاشرت با مردم بهره می‌برند و به اندازه کمی به کتاب‌ها و رسانه‌ها رجوع می‌کنند. علاوه بر این، جماعت التبلیغ اعضای خود را ملتزم می‌کند که در امور سیاسی، اختلافات فکری و فقهی وارد نشوند.

جماعت التبلیغ و الدعوة در مصر

این جماعت در اواسط دهه هفتاد میلادی وارد مصر شد و مرکز خود را در منطقه طموه در استان جیزه قرار داد که در محلی با مساحت سه هکتار بنای بزرگی را به خود اختصاص داد. این بنا شامل سه طبقه است که طبقه اول آن برای استقبال از مهمانان و اجتماعات بنا شده و در طبقه دوم مسجدی بزرگ قرار دارد. اما طبقه سوم شامل اتاق‌های فراوانی است که برای استراحت و اقامت اعضای جماعت ترتیب داده شده است به همراه رستورانی بزرگ که در وعده‌های غذایی با قیمتی کم از اعضای جماعت پذیرایی می‌کند.

این جماعت، مصر را به هفت منطقه تقسیم کرده که در هر منطقه حلقه‌هایی از جماعت فعال هستند و هر حلقه مساجدی را نیز در اختیار دارد که هر مسجد خروجی‌هایی را به‌عنوان مبلغ به طموه اعزام می‌کند که از آنجا به مناطق مختلف مصر اعزام شوند.

گردهمایی سالیانه این جماعت هر ساله با حضور تمام مراکز جهانی جماعت برگزار می‌شود که آخرین گردهمایی آنان در نیمه اول سال 2014 میلادی در یمن برگزار شد.

[1]. مروان شحاده، تحولات الخطاب السلفی، ص 88-89.

[2]. سورة آل عمران(3)، آیه 110.

منابع

1. گروهی از نویسندگان تحت اشراف عبدالغنی عماد: الحركات الاسلامية في الوطن العربي، بیروت: مرکز الدراسات الوحدة العربية، 2013م.

2. مروان شحاده، تحولات الخطاب السلفی؛ الحركات الجهادية - حالة دراسة، بیروت: العربيه، چاپ اول 2010م.

3. سایت بوابة الحركات الاسلامية:

<http://www.islamist-movements.com>

